



دانشگاه پیام نور
واحد تهران

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان پایان نامه

اصطلاح نامه پزشکی دوره اسلامی بر اساس تحلیل محتوایی و واژگانی
نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی (پنج کتاب اول)

استاد راهنما:

دکتر هوشنگ خسروییگی

استاد مشاور:

دکتر فرید قاسم لو

پژوهشگر:

فرشته جهانی

تابستان ۹۰



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	چکیده و کلید واژه
۱	مقدمه
۳	اختصارات
	فصل اول : ادبیات تحقیق
۵	۱-۱ بیان مسئله
۶	۲-۱ پیشینه تحقیق
۷	۳-۱ فرضیه های تحقیق
۷	۴-۱ اهداف تحقیق
۸	۵-۱ روش انجام تحقیق
۸	۶-۱ ارزیابی منابع
	فصل دوم : سید اسماعیل جرجانی و زمان او
۱۳	۱-۲ خوارزمشاهیان
۲۵	۲-۲ زندگینامه اسماعیل جرجانی
۳۶	۳-۲ ذخیره خوارزمشاهی
۷۳	فصل سوم : تقسیمات موضوعی واژگان نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی (پنج کتاب اول)
۱۴۷	فصل چهارم : فرهنگ اصطلاح نامه نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی
۴۰۳	نتیجه
۴۱۶	فهرست منابع
۴۲۲	تصاویر

تقدیم به :

اولین آموزگاران زندگی ام ، آنان که به من آموختند و خواهند آموخت.

مادر گرانقدرم ، تندیس اخلاص و فداکاری ، مظهر ایمان و صبر ، که زمزمه دعاهایش همراه رهگشای من بوده و خواهد بود.

پدر بزرگووارم که با زحمات و تلاش و ایثار گری عشق راه دانش را برایم تسهیل کرد.

به آنان که من قسمتی از وجودشان هستم ، اما آنان تمام وجود من.

چکیده:

کتاب ذخیره خوارزمشاهی از امهات و مطلوبترین و مشروحترین کتب طبی پارسی است. که جرجانی پس از قریب پنج قرن که بیشتر مولفات طبی به تازی بوده به پارسی تالیف کرده است. و بهترین و مهمترین کتاب پزشکی پارسی است که از ابتدای خط فارسی کنونی تا عصر حاضر نگاشته شده است و شامل همه بخش های علم طب قدیم است.

در این پژوهش تحلیل محتوایی و واژگانی نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی (۵ کتاب اول) تالیف سید اسماعیل جرجانی برای تهیه اصطلاحنامه پزشکی دوره اسلامی در نظر گرفته شده است. سطح روابط معنایی - تاریخی واژگان کهن پزشکی در نسخه ذخیره خوارزمشاهی محور اصلی قرار داده شده است، به همین دلیل برای ترسیم فضای کلی تطور دانش پزشکی در تاریخ اسلام و دست یافتن به دانسته های عمیق در این حوزه ، واژگان فنی و بنیادی این دانش را از متون تخصصی تاریخ پزشکی دوره اسلامی ، استخراج ، بررسی ، تعریف سطح معنایی شده و در نهایت تنظیم الفبایی شده است.

واژگان کلیدی : اصطلاحات پزشکی ، اندام ، بیماری ها ، جرجانی ، دارو ، ذخیره خوارزمشاهی

مقدمه :

سید اسماعیل جرجانی در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری قمری می زیسته است یعنی تماماً در دوره ای که ایران شرقی زیر سلطه سلسله نیرومند، تازه به قدرت رسیده ترکان سلجوقی و برکشیدگان آنان یعنی خاندان انوشنگین گرچه (خوارزمشاهیان) بود. جرجانی یکی از غنائم بزرگ علمی در دربار قطب الدین محمد خوارزمشاه بود. شاهکار وگل سر سبد آثار جرجانی کتاب ذخیره خوارزمشاهی است. ذخیره یکی از گنجینه های گرانسنگ دانش و ادب پارسی است که علاوه بر اشتمال آن بر آگاهیهای عمیق و ارزشمند دانش پزشکی و تجارب اطبا و دانشمندان ایران، از دیر زمان یکی از برترین آثار بی بدیل در نشر زیبا و ساده قرن ششم فارسی به شمار می رود. ارزشهای علمی ذخیره آن را با قانون ابو علی سینا همسنگ ساخته است. جرجانی با تالیف این کتاب خدمت بزرگی به زبان و فرهنگ ایران انجام داده است، چون که در قرن ششم هجری زبان عربی زبان رسمی و علمی بود. حکیم جرجانی پایه گذار مکتب ایرانی در دوره اسلامی بود و اولین طبیب ایرانی بود که کتاب ارزشمند خود یعنی ذخیره خوارزمشاهی را به زبان فارسی تالیف کرد. جرجانی در علوم مختلف استاد بود. و در آثار خود همه مباحث علم طب را چنانکه قدما می اندیشیده اند با تحقیقات مورد مطالعه قرار داد و کلیه مباحث پزشکی را در کتب خود جمع آوری و تدوین نمود.

در کتاب ذخیره خوارزمشاهی مباحث گوناگون پزشکی و امراض گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و داروهای گیاهی، حیوانی، معدنی برای تخفیف درد و معالجه بیماری های گوناگون معرفی شده است. اگر چه پزشکان دیگری چون ابو علی سینا و زکریای رازی قبل از سید اسماعیل جرجانی در زمینه علم طب فعالیت های چشمگیری انجام داده اند ولی از این جهت که جرجانی، ذخیره خوارزمشاهی را با زبان فارسی و اصطلاحات این زبان نوشته از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

هدف از این پژوهش، استخراج واژگان، بررسی، تحلیل محتوایی، ترسیم روابط معنایی و در نهایت تنظیم الفبایی، واژگان دانش طب در نسخه ی ذخیره خوارزمشاهی (پنج کتاب اول) است. که مهمترین و با اهمیت ترین متون پزشکی دوره اسلامی است.

این پایان نامه در چهار فصل تنظیم گردیده است: فصل اول، ادبیات تحقیق، در فصل دوم، دوره خوارزمشاهیان از لحاظ فرهنگی و علمی و همچنین زندگی نامه و آثار اسماعیل جرجانی بخصوص ذخیره خوارزمشاهی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل سوم، به تقسیمات موضوعی واژگان نسخه ذخیره خوارزمشاهی (۵ کتاب اول) اختصاص دارد. در این فصل اصطلاحات پزشکی، اندام، بیماری ها و دارو ها و تقسیمات هر یک بر اساس ترتیب حروف الفبایی ارائه و سامان یافته است. فصل چهارم، که مهم ترین فصل این پایان نامه محسوب می شود، فرهنگ اصطلاحات طبی نسخه ذخیره خوارزمشاهی است.

در تمام ماه‌های گذشته کوشش شد با بهره‌مندی از راهنمایی اساتید ارجمند و مشاور، پژوهشی مدون صورت گیرد. با این حال نمی‌توان این پایان نامه را کامل و بدون نقص دانست. این پایان نامه گامی کوچک به منظور تحقیق در حوزه تاریخ پزشکی ایران است پایان نامه حاضر منتهی تلاش است که با اعلام اعتذار از قلت بضاعت، لکن در سایه تداوم الطاف و مرحام و رهنمودهای استاد محترم جناب آقای دکتر هوشنگ خسروبیگی استاد راهنما، جناب آقای دکتر فرید قاسملو استاد محترم مشاور، صورت تحقق پذیرفته، که امید است مورد قبول واقع شود. بر همین اساس بر خود لازم می‌دانم از زحمات این اساتید گران قدر تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین لازم می‌دانم تا از همکاری فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران و کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی و از تمام کسانی که به نحوی در جمع آوری و تهیه این تحقیق تاثیر گذار بودند، تقدیر و تشکر نمایم.

فرشته جهانی

تابستان ۱۳۹۰

اختصارات

عنوان	علايم اختصارى
جرجانى، ذخيره خوارزمشاهى	ذ
جرجانى، الاغراض الطبيه و المباحث العلائيه	اغراض
فرهنگ اغراض طبى اثر دكتور حسن تاجبخش	ف. تاج
فرهنگ مصطلحات طب سنتى، اثر دكتور محمد تقى مير	ف. مير
فرهنگ ناظم الاطبا	ف. ن
لغت نامه دهخدا	دهخدا

فصل اول

ادبیات تحقیق

با ظهور اسماعیل جرجانی و مولفات ارزنده طبیبی وی به زبان پارسی دوران تجدد طب ایران شروع می شود، وی با بهره مندی از متن شیرین پارسی اصطلاحات علمی و طبیبی را با اضافاتی بسیار ارزنده در کتاب ذخیره خوارزمشاهی آورده است. ذخیره نه یک کتاب بلکه دائره المعارفی پزشکی است که تمام مباحث طب اعم از کلیات و جزئیات، بیماریها و نشانه های آن، علل و اسباب، تشخیص دارو و درمان را با بیان شگرف و منطقی ویژه ارائه کرده است. منبعی سرشار از اصطلاحات و اطلاعات پزشکی به زبان فارسی است. در واقع جرجانی دائره المعارفی را به وجود آورده که جویندگان علوم پزشکی را از مراجعه به سایر کتب پزشکی بی نیاز کرده است. جرجانی دانش پزشکی گذشته را جمع آوری کرده به همین جهت برای ترسیم فضای کلی تطور دانش پزشکی در تاریخ اسلام (بین قرون اول تا ۱۳ هجری) و دست یافتن به دانسته های عمیق در این حوزه لازم است تا واژگان فنی و بنیادی این دانش از دل متون تخصصی تاریخ پزشکی دوره اسلامی، استخراج، بررسی، تعریف، سطح روابط معنایی شده در نهایت تنظیم الفبایی شود و از این جهت نسخه ذخیره خوارزمشاهی می تواند به عنوان یکی از منابع اصلی از این مجموعه متون مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به حجم این اثر تصحیح نسخه خطی آن بسیار دیر انجام شده در حال حاضر نیز فقط چهار کتاب از نه کتاب و تتمه آن تصحیح شده است، استخراج واژگان نیز از تمام اثر در غالب یک پایان نامه کارشناسی ارشد نیز صعب و دشوار خواهد بود. از سوی دیگر متن تصحیح آقای محرری نیز با اشکالی مواجه است بر همین اساس مبنای کار این پایان نامه استخراج و شناخت روابط معنایی واژگان پزشکی. پنج کتاب اول از متن نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی و پاسخگویی به سوالات زیر است.

۱ - آیا تنظیم روابط معنایی واژگان کهن پزشکی در نسخه ذخیره خوارزمشاهی (۵ کتاب اول) امکان پذیر است.

۲ - مهمترین مجموعه واژگان فارسی پزشکی در نسخه ذخیره خوارزمشاهی مربوط به کدام دسته از واژگان است.

سید اسماعیل جرجانی با تالیف ذخیره خوارزمشاهی خدمت بزرگی به زبان و فرهنگ ایران انجام داده است و مؤلف سعی کرده است برای اصطلاحات طبی و علمی معادل هایی از زبان فارسی و واژه های زمان خود بیابد و از این راه به غنی کردن زبان فارسی خدمت بزرگی نماید. چون آثار پزشکی اسلامی تا قبل از تالیف ذخیره به زبان عربی بوده است سهولت دسترسی به این دانش در زبان پارسی اهمیت این اثر را مضاعف می سازد. به همین لحاظ شناسایی واژگان فارسی، طب اسلامی از این کتاب حائز توجه است.

در خصوص کتاب ذخیره خوارزمشاهی برخی پژوهش ها صورت گرفته است. چاپ کتاب اول ذخیره به سال ۱۳۳۵ از طرف دانشگاه تهران و به همت آقایان ایرج افشار و محمدتقی دانش پژوه انجام و منتشر شد. در شهریور ماه ۱۳۴۴ از طرف انتشارات انجمن آثار ملی بار دیگر کتاب اول ذخیره، به همت آقایان دکتر محمدحسین اعتمادی، دکتر محمد شهراد و دکتر جلال مصطفوی کاشانی، و سال ۱۳۴۹ کتاب دوم ذخیره به همت آقای جلال مصطفوی به چاپ رسیده است.

همچنین کتاب های اول، دوم و سوم ذخیره در دو جلد در سال های ۱۳۸۰، ۱۳۸۲ به تصحیح آقای دکتر محمدرضا محرری توسط فرهنگستان پزشکی جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده است. قسمت تبهای ذخیره، تحت عنوان حمیات در سال ۱۲۸۲ ه.ق در هندوستان با چاپ سنگی منتشر شده است. ذخیره خوارزمشاهی، چاپ بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۵۵ ه.ش به توصیه استاد فقید دکتر پرویز ناتل خانلری و با تلاش سعیدی سیرجانی جمع آوری، تنظیم و به صورت افست از روی قدیمی ترین نسخه ذخیره به چاپ رسید. کتاب دهم ذخیره در سال ۱۵۷۴ م به وسیله ابوالفضل دفتری به ترکی ترجمه شده. ولی همان گونه که یاد شد تاکنون کل اثر ذخیره به صورت کامل چاپ نشده که امید است صورت تحقق یابد.

ولی در موضوع استخراج واژگان پزشکی این اثر تا کنون اقدامی صورت نگرفته است. از اقدامات مشابه در این خصوص می توان به دو پایان نامه اشاره کرد. یکی رساله ای تحت عنوان اصطلاحنامه پزشکی بر اساس کتاب الاغراض الطیبیه، نوشته خانم فرشته عسگری است.

استخراج واژگان کتاب تشریح الابدان، عنوان پایان نامه خانم نیک سرشت بود که در دانشگاه پیام نور تحقق یافت همچنین پایان نامه ای در خصوص بررسی تشریح کتاب ذخیره خوارزمشاهی و بررسی باب تشریح اندام های مرکب از کتاب ذخیره خوارزمشاهی از دیگر اقدامات صورت گرفته است.

همچنین در خصوص تدوین فرهنگ اصطلاحات پزشکی در متون تاریخ پزشکی برخی اقدامات صورت تحقق یافته است. از جمله می توان به فرهنگ مصطلحات طبی محمدتقی میر و فرهنگ الاغراض نوشته حسن تاج بخش اشاره کرد.

۱- ۳- فرضیه ها تحقیق

۱- به نظر می رسد ترسیم روابط معنایی واژگان پزشکی دوره اسلامی به زبان فارسی در کتاب موضوع تحقیق امکان پذیر است.

۲- به نظر می رسد واژگان مربوط به بیماری ها و داروها بیشترین تعداد واژگان را در این مجموعه به خود اختصاص داده است.

۱- ۴- اهداف تحقیق

۱- تحلیل محتوایی نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی (۵ کتاب اول)

۲- ترسیم روابط معنایی واژگان پزشکی نسخه ذخیره خوارزمشاهی (۵ کتاب اول)

۳- برداشتن گام های تکمیلی در جهت تهیه اصطلاح نامه تاریخ پزشکی دوره اسلامی

۴- بررسی آماری محتوایی واژگان پزشکی دوره اسلامی بر اساس ۵ کتاب اول نسخه ذخیره خوارزمشاهی

۶- بررسی تاریخ پزشکی دوره اسلامی بین قرون اول تا سیزدهم هجری

۷- تبیین نقش نسخه ذخیره خوارزمشاهی در متون پزشکی فارسی

۸- معرفی اسماعیل جرجانی پزشک دوره خوارزمشاهی

۱-۵- روش تحقیق

ساختار این تحقیق بر اساس سوالات و فرضیه های مطرح شده سامان یافته است. روش تحقیق بر اساس مطالعه آثار موجود در کتابخانه های معتبر که با موضوع تحقیق تناسب دارد گذاشته شده است، روش تحقیق بر اساس استخراج واژگان پزشکی از کتاب محوری تحقیق و تنظیم ساختار دانش پزشکی بر اساس پنج کتاب اول نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی است.

۱-۶ ارزیابی منابع

در این پژوهش چهار دسته منبع و کتاب مورد استفاده قرار گرفته.

گروه اول: آثار سید اسماعیل جرجانی و بخصوص نسخه خطی ذخیره خوارزمشاهی و الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه است که این منابع در فصل سوم و چهارم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

گروه دوم: متون تاریخ عمومی و سلسله ای است که از این متون به منظور بررسی زندگی جرجانی و زمان او (حکومت خوارزمشاهیان) و شناسایی آثار او بهره گرفته شده است که مهم ترین این منابع عبارتند از:

تتمه صوان الحکمه

تتمه صوان الحکمه، اثر ابوالحسن علی بن زید بیهقی (در گذشته ۵۶۵ ه.ق) شرح حال ۱۱۱ تن از حکمای ناحیه خراسان، ماورالنهر و پیرامون آن را در بر می گیرد؛ حکمایی که در متون دیگر یا از آنها یاد نشده و یا کم تر بدان ها پرداخته شده است، از این اثر تا کنون یک برگردان فارسی ساخته شده است که به قلم، ناصرالدین بن عمده الملک منتخب الدین منشی یزدی است. او این کتاب را بوغیث الدین محمد، پسر رشیدالدین فضل الله همدانی، دو سال پس از آغاز وزارت غیث الدین در دستگاه حکومتی ابو سعید - ۷۲۷ ه.ق. یعنی در سال های ۷۱۹ یا ۷۲۰ ترجمه کرده و آن را دره الاخبار و لمعه الانوار نامیده است. نثر کتاب مترجم یعنی سمط العلی، متکلفانه و منشیانه مملو از تعابیر عربی نادر است. این ترجمه، ترجمه ی بسیار آزاد است و از میان ۱۱۱ شخصیت موجود در متن عربی، ترجمه ی ۱۰۳ تن را در بر می گیرد.

کتاب تاریخ کامل، نوشته عزالدین ابن اثیر مربوط به آغاز پیدایش آدم تا سال ۶۲۸ ق/۱۲۳۱ میلادی را در برمی گیرد. این کتاب از لحاظ جامعیت بیش از همه به تاریخ طبری نزدیک است ولی از نظر روش نگارش از آن جداست. روش ابن اثیر در این کتاب گردآوری نوشته های دیگران و تلقیق آرای گوناگون است. گزارشهای ابن اثیر بر طبق سالها تقسیم بندی شده است و از این دیدگاه ارج ویژه ای در تاریخ جهان اسلام دارد. از بخش مربوط به هبوط آدم تا ۳۱۰ ق / ۹۲۲ م بیشتر به نوشته های طبری متکی است، ولی ابن اثیر اطلاعاتی از نوشته های ابن کلبی بلاذری، مسعودی را نیز بر آن افزوده است و بخشی با تکیه بر مشاهدات و شنیده های شخصی مؤلف نگاشته شده است.

گروه سوم: پژوهش های جدید پزشکی

دایره المعارف پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان در جهان از آغاز تا عصر حاضر.

دوره بیست جلدی، دایره المعارف پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، ترجمه و پژوهش محمد تقی سرمدی است. این مجموعه، رویدادهای پزشکی و درمان و آموزش پزشکی در جهان از سپیده دم آغاز حیات همراه به صدها عکس و تصویر و نقشه و نمودار را در برمی گیرد.

تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی

دکتر سیریل الگود، در سال ۱۹۲۶ به عنوان پزشک سفارت انگلیس به ایران آمد و مدت ده سال (حدود ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴) در این کشور بود، وی به توصیه ادوارد براون و با همفکری دانشمندان ایرانی، از همان هنگام، بررسی و پژوهش درباره تاریخ پزشکی اسلام و ایران را آغاز کرد. حاصل این پژوهش دو اثر ارزنده تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی (۱۹۴۸) و طب ایران در دوران صفوی (۱۹۷۱) بود. تاریخ پزشکی ایران بیش از آنکه یک اثر طبی باشد، حاوی تاریخ اجتماعی این منطقه است که ضمن آن، اشارات و مباحثی مربوط به تاریخ طب همراه با گزارش های تاریخی دل انگیز مطرح می شود و در عین حال نحوه تحول و پیشرفت این علم را در این پهنه نشان می دهد، خلاصه در کتاب تاریخ پزشکی ایران، از روزگاران قدیم تا دوره قاجار در مورد طب و پزشکی در هر دوره توضیح داده شده است.

گروه چهارم: مشتمل بر فرهنگ هایی است که به منظور تبیین برخی مفاهیم و اصطلاحات مورد استفاده قرار گرفته است. از مهم ترین این فرهنگ ها:

فرهنگ اغراض طبی

این فرهنگ توسط حسن تاج بخش گردآوری و تالیف شده و ضمیمه جلد دوم کتاب الاغراض الطبییه و المباحث العلائیه است که شامل اصطلاحات طبی و اصطلاحات عمومی در محدوده کتاب الاغراض می باشد.

فرهنگ مصطلحات طب سنتی ایران:

آخرین کتابی که از مرحوم محمد تقی میر انتشار یافته، فرهنگ مصطلحات طب سنتی ایران، است که تا کنون شش جلد آن، توسط انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران منتشر شده است. ایشان سالها به نگارش این کتاب مشغول بوده اند. در مقدمه کتاب آورده است که «نویسنده، از عنفوان جوانی، هنگامی که در دبیرستان به تحصیل مشغول بودم، ساعات فراغت را، با خواندن شرح حال بزرگان پیشین ایران و آثار گرانبهایشان، صرف می کردم ، این علاقه و میل، با رفتن به دانشگاه و تحصیل در دانشکده پزشکی فزونی گرفت و اشتیاق به دانش شرح حال و آثار پزشکان نیز، اضافه گشت. (میر، ص ۴/۱)

فرهنگ ناظم الاطبا

فرهنگ ناظم الاطبا در اوایل سده چهاردهم توسط دکتر میرزاعلی اکبر نفیسی ناظم الاطبا تالیف گشت. فرهنگ ناظم الاطبا نخستین فرهنگ فارسی است که از حروف لاتین برای نشان دادن تلفظ کلمات استفاده کرده است. این کتاب شامل چهار جلد بزرگ و مشتمل بر ۲۶ هزار لغت فارسی و تازی است. از ویژگی های این کتاب این است که بسیاری از واژگان که در زبان فارسی متداول است، اعم از تازی، ترکی، مغولی، زبان های اروپایی و زبان های دیگر و همچنین اسلام تاریخی و جغرافیایی جهان اسلام در این فرهنگ گردآورده شده است.

لغت نامه دهخدا

لغت نامه دهخدا در ۱۷ جلد چاپ رسیده است. شامل شرح هر معنی واژگان، آثار ادبی و تاریخی زبان فارسی است. این لغت نامه بزرگترین و مهم ترین اثر دهخدا است که بیش از ۴۰ سال از عمر او، صرف آن شد. لغت نامه دهخدا، معانی، تفاسیر و شروح تاریخی بسیاری از واژه های عربی را نیز داراست. این اثر حاوی کلیه لغات فرهنگ های خطی و چاپ و فارسی و عربی است. و در نقل آنها بسیاری از غلط های گذشتگان تصحیح شده است.

فصل دوم

سید اسماعیل جرجانی و زمان او

سید اسماعیل جرجانی از پزشکان دربار خوارزمشاهیان بود و آثار خود را به فرمانروایان و وزرای خوارزمشاهی اعطا کرد. گرچه طول دوره حکومت خوارزمشاهیان کوتاه بود ولی سرزمین خوارزم پیشینه‌ای کهن حتی در دوره باستان در فرهنگ و تمدن دارد. کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه مؤید این مطلب است.

ایبرینم و یجه یا ایران ویج، بر اساس کتاب اوستا نخستین سرزمینی بود که آفریده شد. این سرزمین مسکن اقوام آریایی نخستین بود (اوستا، ۱۳۷۰: ۶۵۹) و پژوهشگران این سرزمین را همان خوارزم دانسته‌اند (داندامایف، ۱۳۷۵: بخش اول ۲/۲۸ گزیده زادسپرم، ۱۳۶۶: ۸۲). در اساطیر ایرانی گفته شده که خوارزم در دوره کیانیان ایجاد شده است. بنابر اطلاعات اوستا احتمالاً محیط جغرافیایی کیانیان، نواحی شرق ایران یعنی شامل خوارزمیا، سغدیان، مرگیانا، باکتیریا، هرات و حوضه رود هیرمند بوده است (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۳/۵۴۸) بیرونی بنای خوارزم را ۹۸۰ سال قبل از اسکندر مقدونی (۱۲۹۲ ق.م) و آغاز فرمانروایی در خوارزم را به سیاوش مربوط می‌داند. (بیرونی، ۱۳۵۲: ۵۶)

در دوران باستان منطقه خوارزم یکی از مناطق مهم ایران محسوب می‌شد. و فتح آن برای مسلمین حتی از فتح مرو که آخرین پناهگاه یزدگرد سوم ساسانی و نزدیکتر از خوارزم بود نیز مهم تر می‌نمود.

به گزارش از یعقوبی فتح خوارزم به دست مسلمانان در سال ۶۱ ق صورت گرفت. (بیرونی، ۱۳۶۲: ۲/۱۹۲). ابن اثیر نیز می‌گوید که مهلب بن صفره از طرف سلم به خوارزم رفت و با پادشاه آنجا صلح کرد و خراج گرفت (۱۳۶۸: ۴/۲۲۰) اما فتح نهایی خوارزم توسط قتیبه بن مسلم که والی خراسان بود انجام گرفت (طبری، ۱۳۵۳: ۳۸۵۲ - ۹/۳۸۵۵)

پس از فتح خوارزم این سرزمین گاه به دست حکام محلی و گاه به دست حکام منطقه ماوراءالنهر اداره می‌شد. با این حال خوارزم اغلب به دست حکمرانان محلی و تحت نظر امرای سامانی اداره می‌شد. در زمان نوح بن منصور سامانی در حدود سال ۳۶۵ ق مأمون بن محمد از سوی سامانیان در گرگانج حکومت داشت در این زمان نوح بن منصور با ابوعبدالله محمد بن احمد خوارزمشاه وصلت کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۶۱).

نوح سامانی پس از مدتی نسا را به مأمون و ابیورد را به عبدالله خوارزمشاه سپرد، اما عبدالله خوارزمشاه نتوانست در مقابل مخالفت ابوعلی سیمجور والی خراسان مقاومت کند و ابیورد را به دست آورد (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۴۴). این امر پس از چندی باعث شورش عبدالله خوارزمشاه شد. ابوعلی را به اسارت گرفت. مأمون بن محمد حاکم گرگانج پس از اطلاع یافتن از این واقعه در سال ۳۸۵ق به کاث پایتخت خوارزمشاه حمله کرد و عبدالله را اسیر کرده ابوعلی را آزاد کرد. بنابراین مأمون خوارزم را تصرف کرد و خود خوارزمشاه شد (عتبی، ۱۳۷۴: ۱۳۹-۱۳۰؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷۴). و از این پس بود که خوارزم به دست مأمونیان افتاد. بعد از مأمون پسرش علی بن مأمون در سال ۳۸۷ق خوارزمشاه شد. وی با دختر سبکتکین ازدواج کرد و با محمود غزنوی از در دوستی درآمد. بعد از ابوالحسن علی برادرش ابوالعباس مأمون در سال ۳۹۹ق خوارزمشاه شد و با موافقت محمود غزنوی با همسر ابوالحسن ازدواج کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۵، زمباور، ۱۳۵۶: ۳۱۶) و بر اثر این وصلت دوستی محمود با خوارزمشاهیان مستحکم تر شد. همچنین زمینه نفوذ بیشتر محمود را در خوارزم هموارتر کرد و این بر مأمونیان گران آمد. بیهقی به نقل از بیرونی چگونگی فراهم شدن شورش در خوارزم بر علیه ابوالعباس توسط محمود را بیان میکند. در نهایت محمود با حيله ابوالعباس را وادار کرد تا به نام او خطبه بخواند اما خوارزمیان که با این امر مخالف بودند بر علیه خوارزمشاه شورش کردند. این شورش به مرگ ابوالعباس در سال ۴۰۷ق انجامید و خوارزمیان ابوالحرث محمد بن علی بن مأمون را به تخت نشاندند. محمود به بهانه خونخواهی دامادش در سال ۴۰۸ق به خوارزم حمله و آنجا را تصرف کرد و آن ناحیه را به یکی از سپهسالاران خود به نام آلتونتاش سپرد (بیهقی، ۱۳۱۴: ۶۶۸-۶۷۹)

حاکم غزنویان در خوارزم در هنگام حمله سلجوقیان، هارون بن آلتونتاش بود که در این حین تمایلات استقلال طلبانه خود را آشکار کرد اما به دست محمود غزنوی کشته شد. اما طرفداران خوارزمشاه و سلطان مسعود باهم درگیر شدند و اوضاع در خوارزم نابسامان شد (بیهقی، ۱۳۲۴: ۴۰۳؛ ۴۶۷-۶۸۶)

پس از مدتی سلجوقیان غزنویان را شکست دادند و شهرهای خراسان را تصرف کردند. در آخرین نبرد سلجوقیان با سلطان مسعود غزنوی در خراسان در سال ۴۳۱ق در دندانقان میان سرخس و مرو با شکست غزنویان خراسان به دست سلجوقیان افتاد و پس از آن سلجوقیان شهرهای ماوراءالنهر و خراسان را یکی پس از دیگری تصرف کردند. چغری پسر میکائیل بن سلجوق توانست در سال ۴۳۹ق خوارزم را تصرف کند (بیهقی، ۱۳۲۴: ۶۸۹-۶۹۰؛ حسینی، ۱۳۸۰: ۴۳؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۴۸۵)

از این به بعد حکمرانان سلجوقی در خوارزم حکومت می کردند. نوشتگین گرچه جد خاندان خوارزمشاهیان از غلامان بلکاتکین از مملوکان سلطان ملکشاه سلجوقی بود. سلطان ملکشاه بعد از بلکاتکین نوشتگین را شحنة خوارزم کرد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۸۰؛ جوینی، ۱۳۷۵: ۲/۳؛ شبانکاره ای، ۱۳۶۳: ۱۳۴؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۴/۳۵۶)

در سال ۴۹۰ق در لشکرکشی برکیارق سلجوقی بر علیه ارسلان ارغون وی یکی از غلامان سلاجقه به نام النجی بن قچقار یا قوچکار یا اکنجی را فرمانروای خوارزم کرد و به او لقب خوارزمشاه داد. وی در اواخر سال ۴۹۰ق به خراسان رفت و در مرو در حال مستی توسط دو تن از امرای خود به نام قوان و بارقطاش کشته شد. برکیارق پسر وی شمس الملوک یمین الدوله امین الملک شهاب الدین طغرل قماروی را حاکم خوارزم کرد (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۱۷/۲۴۲). دوره حکومت طغرل تکین بسیار کوتاه بود زیرا پس از مدتی برکیارق که درگیر مبارزه با امیر اونر و مؤیدالملک در فارس بود، امیرداد حبشی بن آلتین تاک را حاکم خراسان کرد و او را مأمور مجازات کردن قاتلان خوارزمشاه کرد. امیرداد پس از مجازات عاصیان برای ساماندهی اوضاع خوارزم محمد بن نوشتگین گرچه را در سال ۴۹۱ق حاکم خوارزم کرد و وی با لقب قطب الدین، خوارزمشاه شد (جوینی، ۱۳۷۵: ۲/۳؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۸۱). با حکومت قطب الدین محمد بن نوشتگین زمینه تشکیل حکومت خوارزمشاهیان فراهم شد و خوارزم وارد دوران جدیدی در تاریخ خود شد.

قطب الدین محمد خوارزمشاه در سال ۴۹۱ق والی خوارزم شد. منابع وی را فردی نیک نام می دانند. به گفته جوینی وی در مرو آداب و رسوم ریاست و امارت را آموخت (۱۳۷۵: ۲/۲). ابن خلدون او را فردی با کفایت و بالیاقت می داند (۱۳۶۸: ۴/۱۵۶). او تا پایان عمر تابع سلجوقیان بود و روابط دوستانه ای با آنان داشت (جوینی، ۱۳۷۵: ۲/۳؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۴۸۱). همزمان با شروع فرمانروایی قطب الدین در خوارزم، برکیارق به خاطر درگیر بودن در غرب و برای آسوده شدن از جانب شرق، خراسان را به برادر ناتنی ده ساله خود سنجر سپرد. (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۱۷/۲۴۱). قطب الدین همواره خدمتگزاری باوفا برای سلطان سنجر بود (شبانکاره ای، ۱۳۶۳: ۱۳۴؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۴۱/۳۵۷). برکیارق پس از سال ها جنگیدن با برادرش محمد در سال ۴۹۸ق درگذشت. چهار سال بعد در سال ۵۲۲ق قطب الدین محمد خوارزمشاه نیز درگذشت.